

به نام خداوند بخشاینده ی مهربان

موضوع مقاله :

جایگاه خلاقیت و نوآوری در طرح تحول آموزش و پرورش

نام و نام خانوادگی نویسنده :

سید مهدی حسینی

سمت و محل کار:

معاونت مجتمع نمونه و بین الملل توحید پسران دبی

زمان : پاییز ۸۷

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	تعریف لغوی و مفهومی خلاقیت.....:
۳.....	ضرورت خلاقیت و نوآوری.....:
۵.....	آیا خلاقیت اکتسابی است یا ذاتی؟.....
۵.....	ویژگی های افراد خلاق:.....:
۶.....	موانع و راهکارهای ایجاد خلاقیت در طرح تحول آموزش و پرورش.....:
۶.....	الف) نیروی انسانی:.....:
۸.....	ب) روس تدریس:.....:
۱۰.....	پ) محتوی کتب درسی:.....:
۱۱.....	ت) سیستم ارزشیابی:.....:
۱۳.....	ث) تحول در آموزش و پرورش با احیای حس کنجکاوی و پرسشگری:.....:
۱۴.....	ج) عادت های تلقین شده:.....:
۱۵.....	نتایج و پیشنهادات:.....:
۱۶.....	منابع:.....:

چکیده:

جامعه انسانی برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی به تحول و نوآوری نیاز دارد. تحول در آموزش و پرورش باخلاقیت رابطه ای دوسویه دارند در طرح تحول در آموزش و پرورش به خلاقیت بعنوان یک مولفه ی اساسی توجه می شود و پرورش خلاقیت خود سبب تحول در آموزش و پرورش می گردد. خلاقیت و نوآوری محرک اصلی تمدن هاست پیشرفت در صنعت، اقتصاد، سیاست و همه علوم، منوط به پرورش خلاقیت و تربیت انسان های خلاق است، افراد خلاق از گرانبهاترین سرمایه های هر جامعه هستند همه ی صاحب نظران خلاقیت را خلق کردن چیزی تازه و نو می دانند که موجب حل مسئله به گونه ای مناسب و مفید گردد افراد خلاق انسان هایی منظم، با پشتکاری قوی در مواجهه با خطرات، تحمل ابهام، گرایش به امور پیچیده، استقلال، اعتماد به نفس، علاقمند به کار، تجربه و آزمایش، احساس امنیت، کنجکاوی زیاد، خودکنترل، شجاع و دارای قدرت تجسم بالا بوده و از سطح مطلوب هیجانی برخوردارند.

در طرح تحول در آموزش و پرورش برای ایجاد خلاقیت چالش ها و فرصت هایی مانند: نیروی انسانی، روش های تدریس، محتوی کتب درسی، سیستم ارزشیابی، احیای حس پرسشگری و عادات تلقین شده وجود دارد که در این مقاله به آن ها توجه شده است چراکه این موارد می توانند چرخ تحول را کند یا سرعت بخشند.

برای ایجاد تحول در سیستم آموزش و پرورش و حرکت به سمت خلاقیت نیازمند وجود نیروی انسانی کارآمد و موثر هستیم. افراد مؤثر برنامه های خوب و روش تدریس های فعال و کارآمدی ارائه می دهند و با پشتکار و خلاقیت می توانند افراد خلاق را پرورش دهند، روش تدریس معلم از نکات قابل اهمیت در پرورش خلاقیت است شیوه های آموزشی و تربیتی متداول در نظام آموزشی ما مبتنی بر حفظ مطالب و اطاعت محض است که سرکوب کننده های خلاقیت هستند. رشد خلاق در دانش آموزان از طریق روش تدریس خلاق و با فراهم کردن زمینه های یادگیری اکتشافی در محیط، تشویق پرسشگری، مهندسی سوال، باور تفاوت ها، تفکر واگرا، فعال بودن کلاس امکان پذیر است. روش های تدریسی مانند: بارش مغزی، آموزش فکری، حل مساله، آموزش مهارت های پژوهشی که موجب بالا بردن سطح آفرینندگی دانش آموزان می شود باید جایگزین روش های سنتی کرد.

واقعیت این است که بر اساس شیوه های جدید آموزشی دنیا، دیگر نظام های آموزشی انبوهی از اطلاعات ریز را آموزش نمی دهند و شیوه حافظه محوری را کنار گذاشته اند، بلکه توانایی حضور ذهن، تشخیص، انتخاب، استدلال و مشارکت را می آموزند بنابراین از نظام آموزشی انتظار می رود حداقلی از مهارت هایی که مردم به آنها نیاز دارند را در محتوی دروس بگنجانند. و با گنجاندن بعضی عناوین مانند کارآفرینی یا تغییر نام و عنوان بعضی از دروس مانند درس هنر و نقاشی به پرورش خلاقیت و نوآوری، زمینه حرکت به این سمت را فراهم نمایند.

از آنجائیکه ارزشیابی و آموزش رابطه تنگاتنگی باهم دارند تغییر در شیوه های آموزشی نیازمند تغییر در روش های ارزشیابی است امروزه توجه به شیوه های سنجش و ارزشیابی تحصیلی و روشهای نو برای اندازه گیری عملکرد فراگیران و سنجش فرآیندهای فکری و مهارتهای حل مساله، تفکر انتقادی و... مدنظر است. از جمله این روشها می توان به موارد زیر اشاره کرد: ارزشیابی توصیفی - ارزشیابی پرونده ای - ارزشیابی پروژه ای، ارزشیابی عملکردی و...

انسان ذاتاً پرسشگر به دنیا می آید. اوج پرسشگری و خلاقیت در ابتدای زندگی انسان شکل می گیرد. کودکان با رفتارهای خود، همیشه انسان را مهیوت می کنند. در کشورهای جهان سوم، انسان ها بیشتر دوست دارند که از کودکان، انسان هایی مطیع و حرف گوش کن پدید آورند و برای رسیدن به این هدف، نخستین اقدام، قربانی کردن روح خلاقیت در وجود آن هاست و در همین مرحله مهم زندگی است که انسان شانس تبدیل شدن به یک انسان خلاق را برای همیشه از دست می دهد، زیرا انسان تنها از طریق پرسشگری است که می تواند راه خود را برای رسیدن به تکامل بیابد افراد برخی از موانع خلاقیت همچون: ترس از انتقاد و شکست، عدم اعتماد به نفس؛ تمایل به هم رنگی با جماعت عدم تمرکز ذهنی. دل سرد شدن، خرافات، پیروی افراطی از دیگران، تفکرات منفی و عدم انعطاف پذیری، دوری از موقعیت های مبهم. به مرور زمان کسب می کنند که بروز خلاقیت در گرو پیروزی بر موانع فوق و شکستن عادت ها و سنت های دست و پاگیر است این موانع را به قفل های ذهنی تعبیر کرده اند، که ذهن افراد توسط این قفلها محدود شده و حرکت آنها به سمت خلاقیت غیرممکن می گردد. با امید به اینکه در طرح تحول در نظام آموزش و پرورش چالش ها را به فرصت تبدیل کرده و زمینه پیشرفت و رسیدن به چشم انداز بیست ساله ایران عزیز هرچه سریعتر فراهم گردد. ان شاء الله.

مقدمه :

زندگی پیچیده امروزی، هر لحظه در حال نوشدن است و خلاقیت¹ و نوآوری²، ضرورت استمرار زندگی فعال است. انسان برای خلق نشاط و پویایی در زندگی، نیازمند نوآوری و ابتکار است تا انگیزه تنوع طلبی خود را ارضاء کند. جامعه انسانی برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی به تحول و نوآوری نیاز دارد. امروز شعار " نابودی در انتظار شماست مگر اینکه خلاق و نوآور باشید " در پیش روی همه ی افراد و سازمان ها قرار دارد اما مسؤولیت سازمان های آموزشی به خصوص آموزش و پرورش که وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان و آینده سازان جامعه را برعهده دارد، شکلی دیگر به خود می گیرد. از این رو سازمان های آموزشی از یک سو وظیفه فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش خلاقیت و نوآوری و استفاده صحیح و جهت دار از استعدادها و توانایی های افراد را برعهده دارند که این خود زمینه ساز توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... در جامعه است و از سوی دیگر برای پویایی خود نیازمند پرورش و بهره مندی از خلاقیت و نوآوری می باشند تا بتوانند در دنیای رقابتی در حال تغییر، به بقا خود ادامه دهد.

امروزه اساسی ترین وظیفه و مأموریت آموزش و پرورش، تربیت انسان های کارآمد و مولد است. در عصری که با استفاده از رایانه ها اطلاعات و اندوخته های بشری در کوتاهترین زمان ممکن به کمک چند انگشت رد و بدل می شود و فاصله مکانی روی کره هستی از بین رفته است، وظیفه آموزش و پرورش بیش از پیش سنگین تر شده و می طلبد خود را با این تغییرات هماهنگ سازد لذا باید انسانهایی را تربیت کند که هم متعهد و معتقد باشند و هم قادر باشند این دانش گسترده را برای حل مسایل و مشکلات جامعه خویش و جهان پیرامون به کار بگیرند. بنابراین هدف برنامه های آموزش و پرورش باید تربیت افراد نوآوری باشد که بتوانند فکر کنند و دیگران را در رسیدن به اهداف عالی رهبری نمایند چنان که پیازه در این مورد می گوید: هدف اصلی آموزش و پرورش آفرینش است، آفرینش انسان هایی توانا و خلاق. آموزش و پرورش در راستای نیل به اهداف عالی باید زمینه های رشد و شکوفایی استعداد های خلاق را مهیا نماید تا اندیشه های فراگیران در مسیر خلاقیت و نوآوری سوق یابد.

تغییر و نوآوری زمینه گذر از روش های سنتی به روش های مدرن و خلاق را فراهم می سازد عصر امروز، عصر تغییر و عصر انفجار علم، عصر پیدایش سازمانهای متعدد علمی، اجتماعی و اقتصادی و عصر نوآفرینی و نوآوری است جهان امروز با شتاب فوق العاده در حال تحول و دگرگونی است و دامنه معرفت و دانش و فن آوری به سرعت فزونی می گیرد و نوآفرینی جزو ضروریات هستی نظامهای مختلف است.

از سازمانهایی که امروزه بیش از سایر سازمانها در زمینه پرورش خلاقیت و نوآوری و گذر از سبک سنتی به سبک نوین مسؤولیت دارند سازمان آموزش و پرورش است. زیرا آموزش و پرورش زیربنای اصلی و عمده شخصیت و دیدگاههای مردمی و رشد ابعاد وجود آدمی است. که ضرورت دارد با ایجاد تغییر، زمینه پرورش خلاقیت را فراهم سازد خلاقیت را می توان برترین سطح یادگیری بشر و بالاترین توانمندی تفکر و محصول نهایی ذهن و اندیشه انسان دانست. افرادی که خلاقیت بالایی دارند دارای خصوصیات شخصیتی و رفتاری ویژه ای هستند که به وسیله این خصوصیات می توان آن ها را از سایر افرادی که از خلاقیت کم تری برخوردار هستند تشخیص داد لذا تدارک برنامه های خاص در آموزش و پرورش باهدف پرورش خلاقیت یک ضرورت اساسی است

¹creativity

². innovation

تعریف لغوی و مفهومی خلاقیت:

خلاقیت از نظر لغوی در لغت نامه^۳ به معنی خلق کردن، آفریدن و بوجود آوردن آمده است. صاحب نظران تعریف های مفهومی متعددی از خلاقیت و نوآوری ارائه داده اند **گیلفورد** خلاقیت را عمل یا رفتاری می شناسد که راه حلی مناسب برای مشکل ارائه نماید او می گوید خلاقیت عبارت است از نشان دادن عمل یا رفتار و توانایی خلاق و به طور کلی عمل خلاق یعنی ارائه راه حل مناسب برای مسائل و مشکلات. شاید بتوان گفت که جامع ترین تعریف خلاقیت توسط **گیلفورد** دانشمند آمریکایی عرضه شده است. او خلاقیت را با تفکر واگرا^۴ در مقابل تفکر همگرا^۵ مترادف دانسته است. افرادی که تفکر واگرا دارند در فکر و عمل خود با دیگران تفاوت دارند و از عرف و عادت دور شده روش های خلاق و جدید را به کار می برند. برعکس کسانی که از این خصوصیت برخوردار نیستند تفکر همگرا دارند و در فکر و عمل خود از عرف و عادت پیروی می کنند. پس تفکر واگرا یعنی دور شدن از یک نقطه مشترک که همان رسم و سنت و عرف اجتماع است و تفکر همگرا یعنی نزدیک شدن به آن نقطه.

مگ کینان در تعریف خلاقیت می نویسد: «خلاقیت عبارت است از حل مسأله به نحوی که ماهیتی بدیع و نو داشته باشد.»

ویلیامز می نویسد: «خلاقیت مهارتی است که می تواند اطلاعات پراکنده را به هم پیوند دهد، عوامل جدید اطلاعاتی را در شکل تازه ای ترکیب کند و تجارب گذشته را با اطلاعات جدید برای ایجاد پاسخ های منحصر به فرد و غیرمتعارف مرتبط سازد.»

استیفن رایبزر خلاقیت را به معنای توانایی ترکیب اندیشه ها و نظرات در یک روش منحصر به فرد با ایجاد پیوستگی بین آنان بیان می کند. او نوآوری را به معنای فرآیند اخذ اندیشه خلاق و تبدیل آن به محصول، خدمات و روش های جدید عملیات می داند.

در جمع بندی نظر صاحب نظران در مورد خلاقیت به این نتیجه می رسیم که آن ها، خلاقیت را خلق کردن چیزی تازه و نو می دانند که موجب حل مسئله به گونه ای مناسب و مفید گردد و خلاق، شخصی است که دارای عقاید و ایده های نو باشد خلاقیت استعداد و توانایی در پیدا کردن راه حل تازه برای حل یک مشکل، داشتن سبک و روش های نو برای تعبیر های هنری است. خلاقیت توان کشف پدیده های مجهول از ترکیب پدیده های معلوم تاباندن نور بر تاریکی و آرایش مجدد دانش است. خلاقیت فرآیند خلق چیز جدیدی است که دارای ارزش است.

ضرورت خلاقیت و نوآوری:

از واپسین روزهای حیات (عصر سنگ) تا تمدن پیچیده امروزی همواره رشد و بقاء انسان مرهون خلاقیت و نوآوری بوده وهست و تمامی کشفیات و نظریه های علمی، اختراعات و ابداعات و آثار بدیع هنری و ادبی جلوه هایی از خلاقیت است. خلاقیت و نوآوری محرک اصلی تمدن هاست. تلفن، اتومبیل، هواپیما، رادیو، تلویزیون،

^۳ دهخدا

^۴ دست یافتن به رهیافت های جدید برای مسائل

^۵ دست یافتن به پاسخ

رایانه، اتوماتیک، الکترونیک، قدرت اتمی و مسافرت های فضایی و خلق ادبیات و انواع هنرها و ... نقاط عطفی از اختراعات و اکتشافات و نمودی ارزشمند از تفکر و ذهن خلاق بشر است. بنابراین، برای پیشرفت در صنعت، اقتصاد، سیاست و همه علوم، نیازمند تفکری خلاق و نوآور می باشیم؛ خلاقیتی که در ضمیر همه ما نهفته و در نحوه زندگی ما تأثیر دارد که بهترین فضا برای پرورش آن آموزش و پرورش است آموزش و پرورش باتوجه به نقش موثرش در ایجاد تفکر خلاق و انسان خلاق، بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی آن است. زیرا معلمان باتوجه به نقش کلیدی خود می توانند خلاقیت را در دانش آموزان شکوفا یا پژمرده کنند. یعنی اگر در کلاس فضا و شرایطی ایجاد و تفاوت های فردی شاگردان در نظر گرفته شود و شیوه های یاددهی موثر استفاده گردد، حتما زمینه لازم جهت ظهور خلاقیت فراهم می شود و خلاقیت رشد می یابد.

عصر حاضر به دلیل ویژگی های خاص خود عصر خلاقیت و نوآوری است و لذا رهبر معظم انقلاب، سال ۸۷ را سال شکوفایی و نوآوری نامیده اند. نوآوری نیز یک مرحله فراتر از خلاقیت است که در آن افکار و روشهای ارائه شده توسط افراد خلاق به مرحله عمل و اجرا درمی آید و ما شاهد تغییرات و تحولاتی در روشهای اجرایی خواهیم بود. که لازمه رسیدن به این مرحله ایجاد بستر مناسب برای پرورش خلاقیت، ایجاد فضای خلاق و اختصاص زمان و فرصت مناسب برای بروز خلاقیت توسط افراد خلاق است. خلاقیت مقوله ایست که ارتباط نزدیکی با تغییر و تحول دارد و خلاقیت می تواند دستاورد های تازه ای برای زندگی بشر به ارمغان آورد. یکی از زمینه های خاصی که امروزه تغییرات عظیمی را در آن مشاهده می کنیم آموزش و پرورش است که از گذشته های دور تا به امروز تحولات بزرگی را پذیرفته و پیوسته به دنبال وضعیت بهتر در حرکت بوده است لذا لازم است که نظام آموزشی کشور ما نیز به دنبال تغییرات مناسب جهت بهره گیری بهتر از فعالیت های خویش با تحولات جهانی هماهنگ باشد تحولات سریع عصر کنونی ما، نیازمند حل مسائل و مشکلات به گونه ای خلاق است. هرچند علم و توسعه و پیشرفت نیاز اولیه بشر امروزی است، ولی باید دانست که علم به خودی خود، ضامن حل بسیاری از مسائل و مشکلات آینده ای که ما با آن ها مواجه خواهیم شد نیست، تنها نیروی فوق العاده و قدرتمند خلاقیت است که می تواند مسائل و مشکلات را به طرز خارق العاده ای از سر راه بشر بردارد.

علاوه بر موارد ذکر شده و با عنایت به شرایط کنونی دنیا که شاهد رقابت های فشرده جوامع مختلف بشری در دستیابی به تکنولوژی برتر به مثابه منبع اصلی قدرت هستیم، افراد تیزهوش و خلاق از گرانبها ترین سرمایه های هر جامعه و ملتی هستند؛ مخصوصاً تنوع خواستها، افزایش جمعیت، حجم بالای تقاضا برای کالا و خدمات، محدودیت منابع و امکانات و ایجاد راه حل های نو، نیاز به افراد هوشمند، خلاق و نوآور بیش از پیش مشهود و نمایان می شود. واضح است که اگر نخواهیم و یا نتوانیم خود را در برابر تغییراتی که در آینده اتفاق خواهد افتاد آماده نماییم، آسیب های فراوانی ما را تهدید خواهد کرد زیرا هرگونه تغییر در اجزاء و کلیت فرهنگی در سازمان های اجتماعی، تحولاتی را پدید می آورد و اگر شتاب این دگرگونی ها فزونی یابد، آسیب هایی را در پی خواهد داشت. اگر کشور و ملتی خواهان عزت مادی، سعادت معنوی، برتری سیاسی، پیشرفت علمی و آبادانی است، باید به آموزش و پرورش به عنوان کلید پرورش خلاقیت توجه جدی کند؛ زیرا نیروی انسانی لازم برای تحقق این اهداف والا، محصول نظام آموزش و پرورش است.

آیا خلاقیت اکتسابی است یا ذاتی؟

امروزه ثابت شده است که خلاقیت یک ویژگی صرفاً ذاتی نیست، بلکه همه انسان ها از این توانایی برخوردار هستند و همه درجات گوناگونی از این استعداد را دارند که در صورت زمینه سازی برای شکوفایی آن به فعلیت در خواهد آمد، علاوه بر این عواملی هم چون مهارت یابی، آموزش پذیری، انعطاف پذیری، سطح دانش و آگاهی، خطرپذیری، نترسیدن از اشتباه و شکست نیز در میزان خلاقیت و نوآوری دانش آموزان تاثیر فراوانی دارند.

در چند دهه اخیر پژوهش های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام شده است. پژوهش های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت، عموماً به این نتیجه رسیده اند که خلاقیت را هم می توان آموزش و هم پرورش داد. تحقیقات نشان داده است که تمام انسان ها دارای قوه خلاقیت هستند؛ برخی در یک زمینه دارای خلاقیت بیش تر و برخی در زمینه ای دیگر. خلاقیت می تواند به وسیله معلمان در دانش آموزان شکوفا گشته و یا از بین برود. بنابراین، باید محیط و فضای مساعدی برای رشد و پرورش قوه خلاقیت دانش آموزان فراهم آورد. تورنس می نویسد: طی پانزده سال تجربه در مطالعه و آموزش تفکر خلاق، شواهدی دیده ام که نشان می دهد خلاقیت را می توان آموزش داد. **فلدهوسن** و همکارانش می گویند: پاسخ به این سؤال که آیا می توان خلاقیت را آموزش داد؟ مثبت است.

کارل راجرز در این زمینه می نویسد: «روشن است که خلاقیت را نمی توان با فشار ایجاد کرد، بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند. همان گونه که زارع نمی تواند جوانه را از دانه بیرون بیاورد، اما می تواند شرایط مناسبی برای رشد دانه فراهم آورد. در مورد خلاقیت هم همین شرایط صادق است. باید زمینه ای مساعد برای رشد و توسعه خلاقیت فرزندان و دانش آموزان فراهم آورد. از جمله تجربیات من در روان شناسی این است که می توان با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت سازنده را افزایش داد.»

از مجموع نظرات فوق به این نتیجه می رسیم که با فراهم کردن مقدمات و ایجاد تغییر در روش ها و محتوی کتب درسی و طراحی آموزشی می توان گام های مهمی را در خصوص پرورش خلاقیت و حرکت به سمت آن برداشت اما نه با استفاده از روش های آموزشی وارزشیابی موجود که خلاقیت را از ریشه می خشکاند، بلکه با تغییر و نوآوری، اکتسابی بودن خلاقیت امری بدیهی است.

ویژگی های افراد خلاق:

برای اینکه در مسیر خلاقیت حرکت کنیم ناچاریم ویژگی های افراد خلاق را بشناسیم تا به واسطه آن، زمینه را برای پرورش خلاقیت فراهم نماییم. فرد خلاق در افکار و کارهای خویش از استقلال بالایی برخوردار است. او عقاید و اندیشه هایش را وابسته به افکار و عقاید دیگران نمی داند. وی معمولاً در ایجاد دگرگونی های اساسی در کارها و تغییر مسیر در شیوه زندگی خود مستقلانه عمل می نماید و فرد خلاق کم تر خود را نیازمند و وابسته به دیگران حس می کند. فرد خلاق تمایل زیادی به کشف مسائل و پی بردن به اصل پدیده ها دارد. وی همیشه علاقمند است که از سطح ظاهری یک مسئله فراتر رود و درون آن را بیابد. فرد خلاق پیچیدگی را دوست دارد به همین دلیل او در کارهای مشکل و پیچیده بیش از هر چیز دیگر انرژی صرف می کند. او به درگیر شدن با امور دشوار که نیاز به تلاش فکری زیاد دارد، بیش از حل مسائل ساده و عادی علاقمند است.

فرد خلاق نسبت به خود و توانمندی هایش آگاهی دارد به همین سبب از اعتماد به نفس زیادی برخوردار است او به خود و افکار خود اطمینان دارد و معتقد است که ایده ها و نظراتش ارزشمند هستند. حساسیت و توجه بسیاری از اشیاء و پدیده ها که برای اغلب مردم، عادی و پیش پا افتاده جلوه می کند، می تواند توجه و حساسیت فرد خلاق را برانگیزد او محیط پیرامون و پدیده های اطراف را به گونه ای متفاوت از سایر افراد می نگرد. زاویه دید او وسیع است، به جزئیات توجه می کند و تغییرات را زیر نظر دارد. حساسیت فرد خلاق، او را هدایت می کند تا او را به راه های رفع ایرادات افکار و ایده های دیگران و تغییر و بهبود اشیای پیرامون خود فکر کند.

خلاصه اینکه افراد خلاق انسان هایی منظم، با پشتکاری قوی در مواجهه با خطرات، تحمل ابهام، گرایش به امور پیچیده، استقلال، اعتماد به نفس، علاقمند به کار، تجربه و آزمایش، احساس امنیت، خود پنداره مثبت، کنجکاوی زیاد، خودکنترل، شجاع و دارای قدرت تجسم بالا بوده و از سطح مطلوب هیجانی برخوردارند

موانع و راهکارهای ایجاد خلاقیت در طرح تحول آموزش و پرورش :

الف) نیروی انسانی :

در جهان امروز آموزش و پرورش به عنوان اساسی ترین رکن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح است و در داخل این سیستم، نیروی انسانی بعنوان محور و اساس قرار می گیرد و هیچ تحولی در جامعه بدون توجه به نقش نیروی انسانی در آن امکان پذیر نیست. سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ تاکنون هر سال گزارشی از توسعه انسانی ارائه می دهد که در آغاز آن این جمله آمده است: مردم ثروت واقعی هر کشوری هستند.

عامل اصلی عدم خلاقیت در آموزش و پرورش و کنندی تحول در این سازمان بعنوان یک مانع اساسی، ضعف در کارآمدی نیروی انسانی است. تا نیروی انسانی در آموزش و پرورش به روز نشوند و از حالت سکون و ایستا به حالتی پویا تبدیل نگردند امکان تغییر و تحول در سایر مولفه ها از قبیل: ساختار، کتاب درسی و.. وجود نخواهد داشت مسئولان و تصمیم سازان آموزش و پرورش باید مدت هاپیش صدای ناقوس عدم کارایی نیروی انسانی را در سیستم خود شنیده باشند و برای بهبود و تغییر این وضعیت راهکار و چاره ای اندیشیده باشند. معلمانی که خود را در چنبره روشهای کلیشه ای و سنتی اداره کلاس، گرفتار کرده و نیز تاریخ مصرف بسیاری از اطلاعات و معلومات شان بسر آمده است، و حاضر نیستند در نگرشها و روش هایشان، تغییری به وجود آید، هرگز در جهان امروز و آموزش و پرورش پیش تاز، جایگاهی ندارند و قادر به همراهی با طرح تحول آموزش و پرورش نیستند. نوگرایی و نواندیشی و حرکت رو به جلو امریست که مورد تایید و تاکید پیامبر اکرم (ص) قرار دارد. «هرکس که دو روزش، مساوی و یکسان و یکنواخت باشد، مغبون و زیان دیده است»^۶

در کشور کانادا، دانشگاهی وجود دارد که علامت و نشانه آن تصویر دایناسور است. وقتی علت این امر، از مسئولان دانشگاه پرسیده شده گفتند: مفهوم و پیام آن، این است که در این دانشگاه اگر استاد و معلم، دانش خود را به روز نکند، خیلی زود منقرض شده و به سرنوشت دایناسورها مبتلا خواهد شد.^۷

برای ایجاد تحول در سیستم آموزش و پرورش و حرکت به سمت خلاقیت نیازمند وجود نیروی انسانی کارآمد و موثر هستیم. افراد مؤثر برنامه های خوب و روش تدریس های فعال و کارآمدی ارائه می کنند و با پشتکار و خلاقیت می توانند افراد خلاق را پرورش دهند، لذا به همین دلیل است که به نگهداری و به روز کردن اطلاعات

^۶ نهج الفصاحه

^۷ ماهنامه پرسمان دانشجویی - شماره ۷۴

و معلومات نیروها، حفظ موقعیت، ارزش گذاری و احترامی که لازمه استمرار این حرکت است؛ اهمیت و جایگاه فوق العاده ای پیدا می کند. افراد مؤثر به تاریکی دشنام نمی دهند، بلکه با روشن کردن شمعی، تاریکی ها را از بین می برند، به عبارت دیگر فرد مؤثر مهارت های زندگی را خوب می داند و خود گردان است؛ فرد مؤثر مانند رودخانه ی همیشه جاری است؛ گفته اند رودخانه را هل ندهید او خود جاری است، آب روان است؛ زیرا آب های روان سرشار از سرزندگی و سلامت اند، فقط در آب های راکد زوال و مرگ تجلی می کند، او مثل کوه استوار است، گفته اند کوه را در بند نکشید. بنابر این او همیشه در جریان است و هم ثابت قدم و استوار. فرد مؤثر تفکر خلاق و اعمال خلاق دارد و برای کشف خویشتن تلاش می کند، او فرزند زمان است نه برده زمان؛ گذشته را می خواند و می کاود ولی در گذشته نمی ماند، یقین دارد که هر زمان را زبانی است و هر زبان را منطقی. به طور خلاصه، لازمه تحقق کارآمدی و اثربخشی عمل به این جمله حکیمانه است که برای پیشرفت و ترقی لازم نیست نابغه باشید، فقط کافی است یک قدم به جلو بگذارید .

تحول گرایی و نوخواهی در جهان کنونی، دیگر انتخاب نیست، بلکه یک تحمیل و ضرورت است؛ که از رهگذر آن، کارآمدی، اثرگذاری و توفیق در انجام وظایف معلمی، حاصل می شود. معلم باید دائماً، مهارت های شغلی خویش را افزایش داده، به روش های نوین تدریس روی آورد، از علم و دانش نو بهره مند گردد، در این صورت است که عنصر سازنده و آفریننده زمان خویش می شود و مورد پذیرش و قبول فراگیران و دانش آموزان واقع می گردد و با ایجاد و پرورش خلاقیت زمینه تحول در آموزش و پرورش فراهم می آورد. چنین نیروی انسانی باید واجد ویژگی هایی باشد تا بتواند با خلاقیت تحولی اساسی در آموزش و پرورش ایجاد نماید معلمی که قصد دارد یاد دهی، یادگیری در زمینه ی خلاقیت را در کلاس خود افزایش دهد و در فرایند رشد خلاقیت نقش تسهیل کننده و تسریع کننده را داشته باشد باید اصولی را رعایت کند که بطور خلاصه به چند نمونه از این اصول اشاره خواهد شد:

۱. دانش آموزان را به داشتن ایده های بکر و نو تشویق نماید؛ ایده هایی که کم و بیش برای خود آن ها بکر است. ضمن پذیرش ایده های بکر، زمینه ابراز آن ها را فراهم کند. مثلاً می توان از دانش آموزان خواست که به جای ارائه گزارش ساده از یک کتاب، آن را شخصاً ارزیابی کرده و هر نظری که درباره آن دارند بیان کنند و یا این که فصلی از فصل های سال را توصیف کنند به طور کلی، نقاشی های آزاد، مقاله نویسی و نگارش داستان های کوتاه، زمینه ایده فرد و تفکر خلاق در دانش آموزان را بهتر فراهم می کند.

۲. مطالب درسی را به صورت مسأله و معما برای شاگردان طرح کند؛ مطالعه کتاب و یا گوش دادن به سخنان معلم، از برکردن حقایق علمی و تاریخی رشد قوه ابتکار شاگردان را به دنبال ندارد. معلم به جای بیان مطالب درسی یا ذکر حقایق، علمی، باید دانش آموزان را به طرح مسائل ترغیب کند.

۳. معلم باید به دانش آموزان اجازه دهد تا مسائل، نظرات و ایده های خود را اعلام نمایند و این ایده ها را روی تخته کلاس درس نوشته و پس از طرح مسائل و ایده های خود به آنان اجازه دهد که این مسائل را نقد و بررسی نموده و مورد آزمایش قرار دهند.

۴. با استفاده از روش های پرورش خلاقیت (بارش مغزی، حل مسأله، پروژه، پرسش و پاسخ و ...) از ذهن آنها سوالاتی را ایجاد و به پرسیدن سوالاتشان ترغیب کنند آنها را با مسائل حل نشده روبه رو کنند.

۵. تا حد امکان به آنها امنیت و آزادی عمل بدهند و به آنها اجازه دهند تا مسائل و نظرات و ایده های خود را اعلام کنند و سپس این مسائل را نقد و بررسی کرده و مورد آزمایش قرار دهند.

۶. تفاوت های فردی را در نظر داشته باشند و دانش آموزان را به تناسب رفتارها فعالیتها و دستاوردهای خلاق مورد تشویق قرار دهند .

۷. برای تخیلات و افکار نو آنها ارزش و احترام قائل باشند و آنها را با زندگی نامه افراد خلاق آشنا کنند . از روشهای تدریسی استفاده کنند که شاگردان فعالیت بیشتری داشته باشند و به آنها پروژه های گروهی بدهد . با توجه به اهمیت و ضرورت خلاقیت و نیاز به داشتن افراد خلاق، لازم است خلاقیت به عنوان واحدی درسی در برنامه های ضمن خدمت معلمان گنجانده شود. آموزش خلاقیت و تربیت افراد خلاق خود به معلمانی خلاق که بتوانند برای ایجاد ارتباط مطلوب با انسان های دیگر هر لحظه ابتکار و خلاقیتی از خود بروز دهند، نیاز دارد . از آن گذشته معلم و مربی باید با راهکارهای تقویت و پرورش خلاقیت و ابتکار آشنا باشد و بتواند قدرت خلاقیت فراگیران را پرورش دهند. این راهکارها باید در واحد درسی گفته شده، گنجانده شوند.

(ب) روش تدریس :

روش تدریس معلم از نکات قابل اهمیت در پرورش خلاقیت است. اما متأسفانه در نظام آموزشی ما هنوز در بعضی موارد تدریس به روش های سنتی انجام می گیرد در چنین شرایطی، آموزش کودکی که در خلقت او خلاقیت لحاظ شده است و سوالات مکرر در خردسالی نشانه این خلاقیت می باشد، بواسطه روش تدریس بسته و سنتی معلم، به وی فردی تبدیل می شود که نه تنها سوال ندارد بلکه به طور منفعل فقط می پذیرد زیرا هدف در این نوع آموزش فقط انتقال ساده دانش است و دانش آموز در این انتقال هیچ فعالیت موثری انجام نمی دهد و دانش آموز خوب کسی است که آنچه را به او می گویند تکرار کند و سوال نکند و فقط اطاعت کند و از هرگونه تفکر خلاقانه به دور باشد. شیوه های آموزشی و تربیتی متداول در نظام آموزشی ما مبتنی بر حفظ مطالب و اطاعت محض است که سرکوب کننده های خلاقیت و مهارت های مربوط هستند. آموزش محفوظات به حدی افکار فراگیران را به خود مشغول کرده و خسته می کند که دیگر مجالی برای تفکر درباره خود را به آنها نمی دهد.

در طرح تحول نظام آموزشی باید با استفاده از روش های فعال تدریس ، ضمن بهبود کیفیت آموزش و یادگیری ، استعدادهای خلاقانه دانش آموزان را بیدار نمایند و به حرکت وا دارند این خیزش مناسب می تواند به بالندگی فرهنگ و ارزش های ما منجر شده و راه را برای توسعه علم و بهره وری بیشتر از فعالیت های آموزشی و در نهایت تولید و صدور علم و فرهنگ هموار سازد . بنابراین در تحول نظام آموزشی آن نوع از آموزش و یادگیری مدنظر است که منجر به خلاقیت و نوآوری شده و لازم است نظام آموزشی کشور ما در این راستا بیش از پیش فعالیت کرده و گام بردارد .

رشد خلاقیت در دانش آموزان از طریق روش تدریس خلاق و با فراهم کردن زمینه های یادگیری اکتشافی در محیط، خیال پردازی هدایت شده ، تشویق پرسشگری، مهندسی سوال، باور تفاوتها، چگونه فکر کردن ، فعال بودن کلاس امکان پذیر است. از روش تدریسی که موجب بالا بردن سطح آفرینندگی دانش آموزان می شود باید استفاده کرد. یعنی روش هایی را به کار بندد که دانش آموزان را به فعالیت وادارد، جلسات بحث و گفتگو تشکیل دهد و آن ها را با مسائل روبه رو سازد. معلم باید دانش آموزان را به خطرپذیری معقول تشویق نماید. منظور از خطرپذیری به مخاطره انداختن زندگی نیست. دانشمندی همچون شکسپیر^۸، داستایوسکی^۹ و پیکاسو^{۱۰} با

^۸ نمایش نامه نویس

^۹ داستان نویس

خطرپذیری، به چنین موفقیت‌هایی دست یافتند. بنابراین، شکیبایی و صبر در برابر شکست را باید به دانش‌آموزان آموخت. به دانش‌آموزان باید فرصت آزمایش و خطا داد و نباید به خاطر اشتباه در شیوه تفکر، آن‌ها را تنبیه و جریمه نمود. برخی مواقع پاسخ دانش‌آموزان فقط به خاطر آنکه مورد انتظار معلم نیست و با اندیشه او همخوانی ندارد اشتباه تلقی می‌شود. در صورتی که خطا زمینه‌ساز چالش فکری و ابزاری برای تکوین اندیشه است. از این رو، به دانش‌آموزان باید اجازه داد از خطا کردن نهراسند؛ زیرا همه افراد خطا می‌کنند و بهتر است آن‌ها شهامت، شجاعت، تهور و جوشش فکری برای ابداع و خلاقیت داشته باشند و هنگام اشتباه به جای تنبیه و سرزنش، هدایت و ارشاد شوند.

درانتخاب روش تدریس مناسب بهتر است کلاس را به جای «معلم محوری» به صورت «فراگیر محوری» اداره کرد؛ در کلاس فراگیر محوری، دانش‌آموز در امر یادگیری دخالت مستقیم و اساسی دارد. معلم راه‌های یادگیری را به شاگردان دیکته نمی‌کند، بلکه شیوه‌های مختلف یادگیری را پیش پای آنان قرار می‌دهد تا با استفاده از نیروی خلاقیت و ابتکار خود مسیر و روش یادگیری را جستجو نمایند. به جای این که معلم برای دانش‌آموزان اطلاعات فراهم کند، بایستی آنان را در موقعیتی قرار دهد تا خود به جستجوی اطلاعات بپردازند. معلم در این شیوه تدریس، راهنماست و نقش یاری‌دهنده و هدایتگر را ایفا می‌کند. اکنون به چند نمونه از روش تدریس که زمینه لازم برای پرورش خلاقیت دانش‌آموزان را فراهم می‌کند اشاره می‌کنم:

۱- روش بارش مغزی¹⁰

در روش بارش مغزی، پس از این که مسأله‌ای در کلاس ارائه شد، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا هر تعداد راه حل را که می‌توانند برای مسأله بنویسند. معلم پیش از ارائه همه راه‌ها به وسیله دانش‌آموزان، نباید هیچ گونه اظهارنظری در این خصوص بنماید. این روش، شبیه روش تداعی آزاد است که در روان‌کاوی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- روش آموزش فکری

این روش باعث پرورش قدرت خلاقیت در فراگیران می‌شود، می‌توان در مسائل درسی که به صورت سوالات و اگر مطرح می‌شوند، ارائه داد؛ از طریق سوالاتی مانند: دانش‌آموز چگونه می‌تواند نمره خود را در دیکته بهبود بخشد. آن را اجرا کرد

۳- شیوه‌های حل مساله

در این روش، درس به صورت مساله مطرح می‌شود. در نتیجه، فراگیران هر کدام پیشنهاد و راه‌حلی برای مساله و رفع مشکل بیان می‌کنند. یعنی فراگیران تفکر می‌کنند سپس پاسخ می‌دهند. با توجه به این که تنظیم و ارائه هر جمله مستلزم تفکر و خلاقیت است، این روش باعث پرورش قدرت خلاقیت نیز می‌شود.

۴- ایجاد زمینه تفکر

معلم باید زمینه‌ای فراهم کند که همه دانش‌آموزان تفکر نمایند و بدون نگرانی تفکرات خویش را اظهار نمایند. هر چند شاگردان در فرایند تفکر ممکن است اشتباه کنند، اما مهم، تفکر و پرورش فکر است. در این گونه کلاس‌ها پاسخ صحیح و غلط شاگرد برای معلم ارزش یکسان خواهد داشت؛ زیرا به هر حال دانش‌آموز به تفکر واداشته شده است. به عبارت دیگر، باید به دانش‌آموزان اجازه داده شود تا اشتباهاتی را مرتکب شوند؛ زیرا ممکن است اشتباهات به بینش‌های مثمرتری منتهی شوند. معلم باید شرایط آموزشی را به گونه‌ای ترتیب دهد

¹⁰ نقاش

که شاگردان مطمئن شوند که اختلاف نظر آنان با معلم مشکلاتی برای آنان نخواهند داشت. به هیچ وجه نباید اندیشه های شاگردان را طرد نمود؛ چون در این صورت آنان به تفکر نخواهند پرداخت.

۵- ارتباط با اذهان خلاق

گرچه معلم تا حد زیادی می تواند ذهن دانش آموز را تحریک کند، اما این امر کافی نیست. گفتار و کردار هنرمندان، متفکران و رهبران مشهور از مهم ترین عوامل مؤثر در تحریک انرژی خلاق در دیگران است. شاعران، مورخان، سیاستمداران و دانشمندان بزرگ، در قرون گذشته، از طریق آثار مکتوب خود با ما سخن می گویند. آتش خلاق آنان می تواند شعله آفرینش گری دانش آموزان را برافروزد و روح اشتیاق رقابت را در آنان بدمد. برای پیش گیری از احساس حقارت دانش آموزان در برابر بزرگان، باید به آنان گفته شود که انسان های بزرگ هم از اول خلاق نبودند، بلکه با تلاش، پشتکار و پرورش این قوه، توانسته اند ابتکارات، نوآوری ها و آفرینندگی را در وجود خود شکوفا سازند. با شناخت نحوه زندگی و مراحل رشد دانش آموزان، می توان از بروز و پیدایش این احساس در آن ها پیش گیری نمود.

۶- آموزش مهارت های پژوهشی^{۱۲}

روش آموزش دیگری که منجر به بالا بردن سطح فعالیت های خلاق یادگیرندگان می شود، آموزش مهارت های پژوهشی است. آموزش مهارت های پژوهشی به طرح و آزمودن فرضیه از سوی یادگیرندگان کمک می کند. روش های درست طرح فرضیه و آزمون فرضیه به وسیله کودکان منجر به ایجاد طرز تفکر آفریننده در آنها می شود.

پ) محتوی کتب درسی :

در نظام آموزشی ما، محتوی کتاب های درسی براساس انباشت دانش و اطلاعات تدوین گردیده اند و سیستم متمرکز آموزش و پرورش و دستورالعمل های ارزشیابی محدودیت های زیادی را برای معلمان ایجاد کرده است که اگر هم بخواهند بطور کامل نمی توانند در زمینه پرورش خلاقیت کارکنند واقعیت این است که بر اساس شیوه های جدید آموزشی دنیا، دیگر نظام های آموزشی انبوهی از اطلاعات ریز را آموزش نمی دهند و شیوه حافظه محوری را کنار گذاشته اند، بلکه توانایی حضور ذهن، تشخیص، انتخاب، استدلال و مشارکت را می آموزند. فضای مدارس عصر جدید دیگر حالت انباشت اطلاعات بدون تفکر و یا تقلید کورکورانه بدون اندیشه را ندارد. در سازمان مدرسه، محتوای، امکانات، مدیریت و تدریس زمینه ساز تفکر، حل مسأله، دانایی، توانایی خلاقیت و نوآوری هستند. انباشت اطلاعات هنگامی مفید می شود که بتوان آن اطلاعات را مصرف و تولید اطلاعات جدید کرد، متأسفانه در مدارس ما قدرت فکر و اندیشه دانش آموزان گرفته می شود و این مسأله باعث می شود که خلاقیت و استعداد های دانش آموزان ما بروز نکند. افراد خلاق و نوآور عموماً از بهره هوشی بالاتر از متوسط برخوردار هستند، اما هر فرد تیزهوش لزوماً خلاق و نوآور نیست. در مدارس ما به خوبی فرصت و امکان بروز خلاقیت و ابتکار وجود ندارد و کمکی به کشف استعداد های دانش آموزان نمی شود.

در عصر جدید کسانی که می خواهند وارد بازار کار شوند باید توانایی مناظره، تمرکز و گزینش اطلاعات را داشته باشند. به این ترتیب از این توانایی برخوردار می شوند که به عنوان مثال با رجوع به اینترنت اطلاعات مورد نیازشان را تأمین کنند و خود را در هر زمانی با مقتضیات حرفه خودشان و یا هر حرفه جدیدی که می خواهند وارد آن شوند وفق دهند. دانش آموزان باید مهارت جست و جوی منابع مورد نیاز و استفاده از داده ها و

کتاب های مرجع و راهنما و امکانات رایانه و اینترنت را برای اندیشیدن و ابداع داشته باشند و فرصت های فراوانی را برای مشاهده، جست و جو، پیشنهاد طرح ها و اجرای آنها، ارزیابی شواهد و نتایج و استفاده از بازخوردها برای تعدیل مسیر در اختیارشان قرار دهیم.

برای استفاده بهتر و بیشتر از امکانات موجود با توجه به ضرورت خلاقیت و نیاز مبرم به آن در حال و آینده، نیاز است تغییراتی در کتاب های درسی صورت پذیرد. مثلا مطالب درسی در کتاب ها به طریقی ارائه شوند که زمینه را برای بحث و گفت و گوی دانش آموزان فراهم سازند و فقط ارایه اطلاعات در سطح دانش نباشند. مخصوصا سوالات بیشتر به صورت واگرا بیان شوند تا همگرا. هم اکنون بیشتر سوالات پایان درس ها، به صورت هم گرا طرح شده اند، یعنی هر سوال یک پاسخ معین و مشخصی دارد. در نتیجه زمینه مشارکت دانش آموزان در بحث و ارائه پاسخ را از بین می برد. در این صورت، فراگیران از این که به احتمال زیاد جوابشان مطابق پاسخ مورد نظر نباشد و احيانا مورد خشم معلم و تمسخر دانش آموزان قرار گیرند، از تفکر در این زمینه و ارائه پاسخ صرف نظر می کنند؛ هر چند ممکن است پاسخ شان نیز صحیح باشد. بدین طریق، زمینه های پرورش قدرت خلاقیت در دانش آموزان از بین می رود گرچه در سال های اخیر تغییراتی مثبت در کتاب های درسی صورت گرفته است اما برای تطبیق محتوی با شیوه های آموزش خلاقیت راه درازی درپیش مولفان و دست اندرکاران تهیه و چاپ کتب درسی است.

نظام های آموزشی بسیاری از کشورها تغییرات تدریجی در کتاب های درسی ایجاد می کنند برخی از مواد درسی را بصورت انتخابی به دانش آموزان ارایه می کنند به مهارت های غیر درسی که برای ورود به بازار کار و افزایش آستانه تحمل و بردباری برای مواجهه با پیچیدگی های جوامع امروزی ضروری است اهمیت می دهند. اما در نظام آموزشی ما با وجود گام هایی که برداشته شده ما هنوز نتوانسته ایم آموزش های متناسب با فناوری های قرن ۲۱ را در نظام آموزش و پرورش مان لحاظ کنیم و همچنان جای خالی بسیاری از مباحث مربوط به مهارت های زندگی در نظام آموزشی ما به چشم می خورد. بعضی از این مهارت ها، مهارت هایی هستند که هم در محیط کار و هم در زندگی روزمره و خانوادگی لازمند. به عنوان مثال می توان از مهارت حل مشکل، مهارت تحلیل و روابط عمومی نام برد. بنابراین از نظام آموزشی انتظار می رود حداقلی از مهارت هایی که مردم به آنها نیاز دارند را در محتوی دروس بگنجانند. و با گنجاندن بعضی عناوین مانند کارآفرینی یا تغییر نام و عنوان بعضی از دروس مانند درس هنر و نقاشی به پرورش خلاقیت و نوآوری، زمینه حرکت به این سمت را فراهم نمایند.

ت) سیستم ارزشیابی:

در سالهای اخیر نظام های آموزش دستخوش تغییر و تحولات زیادی شده اند و تغییر در یک قسمت، قسمت های دیگر مثل ارزشیابی را نیز متحول ساخته است، این تغییر و تحولات نتیجه طرح و اندیشه های تازه و نویی است که اصطلاحا آنرا خلاقیت و نو آوری می نامند، در دنیای امروز نیازمند سیستم های از سنجش و ارزشیابی هستیم که به هر دانش آموز به دیده حرمت نگاه کند، موهبت های طبیعی و انسانی او را بیشتر از آزمونهای سنتی نشان دهد، بازخوردی مثبت و تکالیفی رشد دهنده به او ارائه کند و باور داشته باشد که هر دانش آموز قابلیت رشد و پیشرفت مداوم را دارد.^{۱۳}

این رویکرد شایستگی فرد را رشد می دهد و اعتماد به نفس او را افزایش می دهد و دانش آموز یاد می گیرد که چگونه از آموخته ها در وضعیت دشوار و نا آشنا استفاده نماید که خود باعث افزایش خلاقیت ، ابتکار و نو آوری فرد می شود و این هدف مهم آموزش و پرورش است. به دلیل نقایص و کاستی های نظام ارزشیابی سنتی و رایج و نارضیاتی از نظام ارزشیابی موجود و با توجه به موضوع خلاقیت و نو آوری در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی ، بر این اساس برنامه ریزان و متصدیان امر آموزش بر آن شدند تا اصلاحاتی بنیادی در حوزه ی ارزشیابی آموزشی بوجود آورند که طرح دو نوبتی کردن امتحانات ، برجسته کردن نقش ارزشیابی مستمر، و بالاخره طرح ارزشیابی توصیفی ویژه ی پایه های اول ، دوم و سوم ابتدایی را می توان از جمله نوآوری های نظام ارزشیابی آموزشی بر شمرد. اما برای تطبیق آموزش خلاقیت با ارزشیابی راه درازی درپیش است. چنان چه بخواهیم خلاقیت را در دانش آموزان پرورش دهیم، باید برای پی بردن به میزان موفقیت خود و اصلاح برنامه، از کار خود و نتایج آن ارزشیابی به عمل آوریم. در نتیجه ارزشیابی ها نیز باید بتوانند تا حدود زیادی رشد و خلاقیت در دانش آموزان را بسنجند؛ یعنی به جای استفاده از پرسش های تستی و تک جوابی، بیشتر از پرسش های واگرا و سوالاتی که به تفکر و ارائه نظر و عقیده دانش آموز نیاز دارند، استفاده شود.

مشکلاتی از قبیل تاکید زیاد بر نمره بعنوان ملاک خوب بودن ، تاکید بیش از حد بر هوش و حافظه فرا گیران در ارزشیابی، مقاومت در پذیرش ایده های جدید، به روز نبودن اهداف و محتوای کتاب های درسی ، عدم آگاهی و شناخت معلمان از اطلاعات و دانش روز و ... همه از مسائل مبتلا به نظام آموزشی امروز است. این مسائل یکی از انگیزه ها و عوامل سوق دهنده ی جدی دست اندرکاران آموزشی کشورمان است که به آموزش و یادگیری علمی ، خلاق ، کاربردی ، مساله محور ، نو آور و مشکل گشا بیندیشد. و بدنبال فلسفه آموزش و روش های آموزشی باشند که به نحوه و چگونگی اندیشیدن ، حل مساله ، فرآیندهای فکری ، تفکر نقاد ، خلاقانه و... می پردازند. به همین منظور از دودهه اخیر سعی در ابداع و ارائه نظام های نوین سنجش و ارزشیابی تحصیلی و روشهای نو برای اندازه گیری عملکرد فراگیران و سنجش فرآیندهای فکری و مهارتهای حل مساله ، تفکر انتقادی و... شده است. از جمله این روشها می توان به موارد زیر اشاره کرد : ارزشیابی توصیفی - ارزشیابی پرونده ای - ارزشیابی پروژه ای - ارزشیابی از طریق آزمون های عملکردی .

بر طبق تجربیات بدست آمده به نظر می رسد که اگر در کلاس درس دانش آموز، محور فعالیتها باشد و در فرآیند یادگیری مشارکت فعال داشته و با انگیزه درونی در فعالیتها شرکت نموده و خود ارزیاب باشد در رفع مشکل درسی همکلاسی هایش تلاش کند آموزش، هدفمند شده و یادگیری عمقی می گردد در این صورت معلم نقش تسهیل کننده، سوق دهنده، ارائه دهنده مسایل جدید را ایفا می کند. معلم باید یادگیری را با پژوهش و تحقیق همراه نموده و یادگیری را گروهی کرده بین خود و فراگیر رابطه مثبت و سازنده ایجاد کند تا بتواند آموخته های فراگیران را کاربردی نماید. در این نوع آموزش ارزشیابی جنبه مقایسه ای نداشته و یادگیری از سطح دانش به کاربرد ارتقا یافته به توانایی های فردی توجه شده، نقاط قوت و ضعف مشخص و کاربرد آموخته ها و مهارت ها را در زندگی تقویت می کند.

ث) تحول در آموزش و پرورش با احیای حس کنجکاوی و پرسشگری :

نوع خلقت آدمی به گونه ای است که او پرسشگر به دنیا می آید. اوج پرسشگری و خلاقیت در ابتدای زندگی انسان شکل می گیرد. کودکان با رفتارهای خود ، همیشه انسان را مهیوت می کنند؛ چشمانی که دائم در حال جست و جو است و گویش هایی که منتظر کوچکترین تحریک برای پیدا کردن

منبع صدا ، و اندامی که با خستگی ناپذیری به هر گوشه ای سرک می کشد. یک کودک دو یا سه ساله در طول روز از یک ورزشکار حرفه ای بیشتر حرکت و بیش از یک نوار ضبط صوت صحبت می کند. گاهی آنقدر انرژی دارد که براحتی به خواب نمی رود. انسان با روحیه خلاقیتی پا به دنیا می گذارد و تنها این بزرگسالان هستند که به واسطه جهل، این روحیه را نابود می کنند.

در کشورهای جهان سوم ، انسان ها بیشتر دوست دارند که از کودکان ، انسان هایی مطیع و حرف گوش کن پدید آورند و برای رسیدن به این هدف ، نخستین اقدام ، قربانی کردن روح خلاقیت در وجود کودکان است و در همین مرحله مهم زندگی است که انسان شانس تبدیل شدن به یک انسان خلاق را برای همیشه از دست می دهد ، زیرا انسان تنها از طریق پرسشگری است که می تواند راه خود را برای رسیدن به تکامل بیابد. ذهن کودکان تروتازه و شاداب است. آنها جسور هستند و احساساتشان از طریق فشار های اجتماعی سرکوب نشده است. به جهان با شگفتی می نگرند و مانند بزرگترها پاکی و معصومیت خود را از دست نداده اند. کودکان برای نخستین بار اثبات می کنند که انسان ها برای زندگی کردن و شناخت دنیای اطراف خود چقدر در جهل بسر می برند و ترس از آشکار شدن از این حقیقت، فریادهای بلندی را سبب می شود و باعث می شود سوالات مکرر و فراوان کودکان که با چراهای فراوان آغاز شود، در مدت زمان کوتاهی بدون شنیدن پاسخ درست در نطفه خفه شود و کودکان آرام آرام تبدیل به موجودی مطیع و بدون هدف می شوند که تنها در بزرگسالی در آرزوی آن بسر می برند که کسی دست آنان را بگیرد و به سر منزل مقصود برساند.

اگر کسی بخواهد به روح خلاقیت دست یابد ، تنها کافی است از نزدیک نظاره گر رفتار یک کودک چند ساله باشد و حتی روزها لحظاتی هر چند کوتاه با او هم بازی شود ، در این مرحله انسان می تواند خلاقیت را با تمام وجود احساس کند. او مشاهده خواهد کرد که یک کودک صد بار هم که به زمین می خورد ، برمی خیزد و در انجام کارها به قدری پشتکار دارد که هر انسان بزرگسالی را کلافه می کند در این دنیا آنها بزرگترین آموزگاران آموزش دهنده خلاقیت هستند.

دکتر جرج میدل ، برنده جایزه نوبل بیان می کند: آموزشهای فعلی باعث می شود فرصتهای آموزشی برای کودکان از دست برود ، زیرا قدرت آموختن کودک مهم شمرده نمی شود و آموزش درستی به کودکانی که به آموزش عشق می ورزند داده نمی شود.

آلبرت اینشتین در خاطرات خود بیان می کند: "نظریه نسبیت نمی توانسته در دوران بزرگسالی من شکل گرفته باشد ، زیرا آدمی در بزرگسالی فرصتی برای اندیشیدن به فضا و زمان ندارد. اینها چیزهایی است که وقتی کودک بودم به آنها فکر کرده ام."

"**اریک اریکسون**" ، روانشناس بزرگ ، از استادی در وجود آدمی نام می برد که او را کودک فاتح می خواند و "اریک بون" از موجودی درون انسان نام می برد که به آن پروفیسور کوچولو می گوید. در همان دوران کودکی ، پروفیسور کوچولو به جست و جوگری مشغول است و در این زمان تنها باید شرایطی را برای کودکان به گونه یی برنامه ریزی کرد که این پروفیسور کوچولو تخریب نشود و

همین دانشمند وجود آدمی است که می تواند زمینه ساز تبدیل یک کودک به دانشمندی عالی قدر و انسانی متکامل شود.

با طرح یک سؤال، راهی به سوی پاسخ های خلاق گشوده می شود. با مشاهده مستقیم معلمان باتجربه و نیز کودکان تیزهوش، درمی یابیم که آنان اطلاعات اندکی در اختیار دانش آموزان خود می گذارند. این دسته از معلمان بیش تر وقت خود را صرف سؤال و پرسش از دانش آموزان می کنند تا درس دادن و معمولاً از پاسخ به پرسش های دانش آموزان اجتناب می کنند و با شگردی خاص، پرسش آنان را به خودشان بازمی گردانند و در این خصوص نظر خود آنان را جویا می شوند. این گونه معلمان، اغلب عادت دارند بازخوردهای بدون داوری در اختیار دانش آموزان خود قرار دهند. با پرسش های هرچند غیرمتعارف دانش آموزان، باید برخوردی دقیق و حساب شده داشت؛ اگر دانش آموزی ایده غیرممکنی را بیان کرد، به جای واقع گرایی باید در این تخیل دانش آموز وارد شد. پاسخ های آنان را می پذیرند و به آن تمایل نشان می دهند. در عین حال، تلاش می کنند درباره این پاسخ ها داوری نکنند. بی تردید، نتیجه این نوع رفتار با دانش آموزان این است که آنان می کوشند تا خود را همواره ارزیابی کنند.

نوع پرسش های این معلمان باتجربه ، اغلب واگرا (چه اتفاق خواهد افتاد اگر...؟) است. آنان اغلب از دانش آموزان می پرسند: «چه چیز شما را وادار به چنین اندیشه ای کرد؟» نوع پرسش ها، باید به گونه ای عام باشد تا دانش آموزان بتوانند پیرامون آن قلم زنی کنند. مثلاً از دانش آموزان سؤال شود که «آسمان را توصیف کنید.» این جاست که دانش آموزان تلاش می کنند تا احساسات شخصی و تجربیات خود را بیان کنند. در پرتو پرسش از دانش آموزان است که یک معلم می تواند خلاقیت آنان را آزمایش کند. شگرد خاص طرح سؤال وسیله ای است که استعداد خلاق کودکان را بارور می سازد. قوه تخیل آن هارابکار می اندازد حواس دیگران در طرح پرسش های خلاق بکارگرفته می شود برای کودکان بهتر است سؤالاتی طرح شود که به پاسخ های متفاوتی نیاز داشته باشد، تا آنان برای پاسخ گویی از مهارت های تفکر خلاق خود کمک بگیرند. سؤالاتی پرسیده شود که با چرا و چگونه آغاز می شوند، نه کجا و چه کسی و چه وقت. سؤال هایی طرح شود که دارای جواب های متعدد باشند. سؤال هایی که تنها یک جواب دارند منجر به تفکر همگرا می شوند، سؤال هایی که جواب های متعددی را در یادگیرنده بر می انگیزانند. شوق تفکر واگرا و آفرینندگی است.

ج) عادت های تلقین شده :

برخی از موانع خلاقیت و مشکلات آن از عادت های خود فرد ناشی می شود که به مرور زمان به او تلقین شده است مواردی همچون: ترس از انتقاد و شکست، عدم اعتماد به نفس؛ تمایل به هم رنگی با جماعت عدم تمرکز ذهنی. دلسرد شدن، خرافات، پیروی افراطی از دیگران، تفکرات منفی و عدم انعطاف پذیری، دوری از موقعیت های مبهم. به مرور زمان کسب نموده که بروز خلاقیت درگرو پیروزی بر موانع فوق و شکستن عاداتها و سنتهای دست و پاگیر است. راجرفون اوخ در کتاب تلنگری بر ذهن این موانع را به قفلهای ذهنی تعبیر می کند، که ذهن افراد توسط این قفلها محدود شده و حرکت آنها به سمت خلاقیت غیرممکن می گردد.

برای درک بهتر موضوع حالتی را در نظر بگیرید که معلمی با گذاشتن نقطه بر روی تخته سیاه نظر دانش

آموزان دبیرستانی و بچه های کودستانی را جویا می شود و جواب هر کدام به این ترتیب بوده که بچه های

دبیرستانی به اتفاق، آن را نقطه عنوان می کنند، حال اینکه بچه های کودکستانی هرکدام تعبیری از آن می کنند که یکی ماسه، دیگری چشم جغد، ستاره، حشره مرده، و... را عنوان می کنند. «نیل پوستمن» این حالت را به این صورت بیان می کند که متاسفانه کودکان ما با علامت سوال وارد مدرسه می شوند و به شکل نقطه از آن خارج می شوند.

نتایج و پیشنهادات:

تحول و نوآوری نیاز مبرم همه ی سازمان ها از جمله آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش بدلیل نقش بی بدیش در بسط و توسعه برای توسعه همه جانبه از اهمیت بیشتری برخوردار است. تحول در آموزش و پرورش مستلزم تغییر در نگرش ها، روش ها و نقش هاست که جایگاه خلاقیت در این تحول بسیار برجسته و ممتاز است. چراکه یکی از شاهراه های رسیدن به اهداف تحول، گذر از مسیر خلاقیت است. خلاقیت خود سبب تحول می گردد و تحول نیز به خلاقیت منجر می شود. با تغییر در فرایندها و روش های سنتی به روش های نوین و کارآمد، مسیر پرورش خلاقیت هموار می گردد. امروزه حرکت کند و لاک پشتی آموزش و پرورش در مقایسه با رشد سریع تکنولوژی و اطلاعات، نگرانی هایی را برای آینده آموزش و پرورش ایجاد کرده است که علت اصلی آن موانعی است که بعنوان چالش فراروی نظام آموزشی ما قدهلم کرده است و چرخ های تحول را در این سیستم کند نموده است آن موانع عبارتند از نیروی انسانی ناکارآمد، روش های سنتی تدریس، عادت های نادرست تلقین شده، سیستم ارزشیابی مبتنی بر دانش، سرکوبی حس کنجکاوی و پرسشگری و محتوی کتب درسی.

لذا تصمیم سازان و برنامه ریزان عرصه تحول در آموزش و پرورش ناکزیرند که برای هرکدام از این موانع برنامه ای مدون و جامع را در نظر بگیرند تا ضمن موفقیت در ایجاد تحول، کمکی هم به پرورش خلاقیت و نوآوری کرده باشند بر اساس موارد فوق راهکارهایی به شرح زیر ارائه می گردد که توجه به آن ها سبب تسریع در روند تحول و رسیدن به اهداف آن می گردد.

۱- با توجه به این که رشد خلاقیت و شکل گیری آن از دوران کودکی و در خانواده ها صورت می پذیرد، ضروری است از طریق رسانه های جمعی، مانند رادیو و تلویزیون و روزنامه ها، درباره اهمیت خلاقیت و چگونگی کمک به رشد آن، اطلاعات زیادی در اختیار عموم به خصوص خانواده ها قرار گیرد.

۲- اقدام به انجام تحول در آموزش و پرورش با محوریت خلاقیت و نوآوری.

۳- تاکید بر آموزش و رشد تفکر و اگر جای تفکر همگرا در نظام آموزشی که زمینه پرورش خلاقیت را فراهم

می آورد.

۴- تغییر در نگرش و دانش نیروی انسانی موجود در آموزش و پرورش با محوریت نوگرایی و نواندیشی و ایجاد انگیزه در آن ها از طریق آموزش های کاربردی لازم و اهرم های تشویقی و انگیزشی.

۵- ایجاد بستر مناسب برای استفاده از روش های فعال تدریس بمنظور بهبود کیفیت آموزش و یادگیری، و بیدار کردن و به حرکت و داشتن استعداد های خلاقانه دانش آموزان. چراکه در تحول نظام آموزشی آن نوع از آموزش و یادگیری مدنظر است که منجر به خلاقیت و نوآوری شود لذا باید در طراحی آموزشی و فرایند یاددهی - یادگیری از روش تدریسی استفاده شود که موجب بالا بردن سطح آفرینندگی دانش آموزان شود.

۶- از نظام آموزشی انتظار می رود حداقلی از مهارت هایی که مردم به آنها نیاز دارند در محتوی دروس بگنجانند. و با گنجاندن بعضی عناوین مانند کارآفرینی یا تغییر نام و عنوان بعضی از دروس مانند درس هنر و نقاشی به پرورش خلاقیت و نوآوری، حرکت به سمت تحول را شتاب بیشتری ببخشد.

- ۷- تغییراتی در کتاب های درسی صورت پذیرد. مطالب درسی در کتاب ها به طریقی ارائه شوند که زمینه را برای پژوهش ، تحقیق ، فعالیت ، یادگیری گروهی و بحث و گفت و گوی دانش آموزان فراهم سازد و کلاس بجای معلم محوری به شیوه ی دانش آموزمحوری اداره گردد.
- ۸- ابداع و ارائه نظام های نوین سنجش و ارزشیابی تحصیلی و روشهای نو برای اندازه گیری عملکرد فراگیران و سنجش فرآیندهای فکری و مهارتهای حل مساله ، تفکر انتقادی و... بااستفاده از روشهایی مانند : ارزشیابی توصیفی - ارزشیابی پرونده ای - ارزشیابی پروژه ای - ارزشیابی از طریق آزمون های عملکردی.
- ۹- احیاء و تقویت حس پرسشگری بااستفاده از پرسش های واگرا که استعداد خلاق دانش آموزان را بارور سازد و قوه تخیل آن هارا بکار اندازد.
- ۱۰- تصحیح عادت های نادرست و سنتهای دست و پاگیر تلقین شده به دانش آموزان که بعنوان قفل های ذهنی ، ذهن دانش آموزان رامحدود ساخته و حرکت به سمت خلاقیت رابرای آن ها غیرممکن می سازد.

منابع :

- ۱- ساموئل بال، انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه علی اصغر مسدد، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.
- ۲- سلیمانی، افشین « کلاس خلاقیت » انتشارات انجمن اولیاء و مربیان . چاپ اول. ۱۳۸۱.
- ۳- سندانی ، دیبا . فرایند خلاقیت در آموزش . روزنامه صبح ایران . پنجشنبه . ۸۵/۹/۱۶ .
- ۴- شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه آموزش و پرورش، تهران، سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.
- ۵- فخارزواره ، زهرا. نقش آموزش و پرورش در خلاقیت و نوآوری و شکوفایی . روزنامه رسالت. ۸۷ /۳/۲۳ .

www.golestanier.ir
www.kayhannews.ir
www.mashhadteam.ir
www.edunews.ir
www.amozeshenovinparsiblog.ir
www.merajschool.ir